روزنه آبی

درباره فتوحات گلشیری

لباس پادشاه

مجید گیاه‌چی

● فرصتی دست داد که در تالار چهارسوی تئاترشهر به تماشای نمایش «فتوحات گلشیری» به کارگردانی یوسف باپیری، با بازی عباس جمالی، بهار کاتوزی، فرزانه میدانی و مریم نورمحمدی بنشینم. یوسف باپیری را بسیار دوست دارم، اهل فکر و کتاب است و تئاتر برایش جنبه تفنن و تفریح یا کسب شهرت و درآمد ندارد؛ مقوله‌ای بسیار جدی است و همواره با گریز از تئاتر مرسوم و متداول، در جست‌وجوی افق‌هایی نو در تئاتر است. این چندمین نمایشی است که از او می‌بینم و آنچه می‌نویسم، هم کمابیش بر دیگر نمایش‌هایش قابل‌تطبیق است و هم با شدت و ضعف‌هایی متفاوت، بر بسیاری از نمایش‌های گروهی از کارگردانان جوان و توانای ما (و البته یکی، دو کارگردان باسابقه‌تر): نمایش از حیث اجزا زیبا و حتی در مواردی درخشان است که جملگی از شعور و دانشی بالا و استعداد و توانایی‌ای بالقوه خبر می‌دهد؛ بازی‌ها زیبا و بی‌نقص است، طراحی صحنه و لباس نیز و موسیقی و نور و حتی طراحی حرکات و پوزیسیون‌ها و کمپوزیسیون‌ها. اما در ترکیب این همه اجزای بی‌نقص، چیزی عاید تماشاگر نمی‌شود و تئاتر اتفاق نمی‌افتد. به‌عنوان تماشاگری که علاقه‌مند به لذت‌بردن از نمایش و دریافت حس‌وحال، یا نکته و نگاه و دریچه‌ای، یا پرسش و هیجان و شگفتی و... هستی هرچه تلاش می‌کنی و زور می‌زنی ارتباطت را با نمایش حفظ کنی و چیزی بسازی، بی‌ثمر است و نتیجه‌ای جز شکست‌های پی‌درپی در ساخت و دریافت، چیزی نصیب تماشاگر نمی‌شود. گاهی احساس می‌کنی که بازیگران و کارگردان هم دریافت مشخص و قاعده‌مندی از آنچه عرضه می‌کنند، ندارند و گویی آنان هم با پذیرش عدم‌دریافتی مشخص، فقط امیدوارند با گسست عامدانه و مداوم و ایجاد پارازیت‌هایی تعمدی در ارتباط مخاطب با اثر، شرایطی فراهم آورند تا مخاطب از آنچه بر صحنه در حال وقوع است، به دریافتی شخصی و ورای آنها دست پیدا کند. یکی از مبانی چنین نگاهی به تئاتر، حذف و نادیده‌انگاری یا کوچک‌شمردن داستان و متن و تأکید بر جنبه‌های بصری، فضاسازی و حسی است، اما به‌نظرم حتی حذف متن و داستان متعارف و متداول هم وابسته به متن و ایده‌ای قوام‌بخش و جذاب و درگیرکننده است و نمی‌توان بی‌هیچ ایده‌ای و در نبود نگاهی انسجام‌بخش، توقع دریافتی شخصی و ویژه از مخاطب داشت (نمونه موفق این نگاه در سینما، برخی آثار آندره تارکوفسکی یا با تفاوت‌هایی سرگئی پاراجانف و... است). از سوی دیگر، این گروه کارگردانان چنان قاطع و مطمئن و مؤمن به کار خود هستند که از سوی برخی منتقدان به نوعی خودبرتربینی متهم می‌شوند؛ موضوعی که نمی‌توان به قاطعیت تأیید کرد؛ به‌ویژه آنکه تلاش آنان در نفی یا پنهان‌نگاه‌داشتن آن مشهود است. در این‌گونه اجراها وانمود شده و شرایطی فراهم می‌شود که سرگردانی مخاطب در برقراری ارتباط با اثر، موضوعی نه متأثر از اجرا که به‌دلیل نداشتن قدرت و توان و آگاهی و هوش مخاطبان ارزیابی شود و شاید حتی به مصداق داستان «لباس پادشاه» هانس کریستین آندرسن، برخی تماشاگران نشان می‌دهند در خلسه‌ای عمیق فرو رفته‌اند (که البته امیدوارم واقعا این‌چنین باشد)، درحالی‌که از طرف دیگر شاید حتی گروهی از این دست کارگردانان از اینکه بخش بزرگ‌تری از تماشاگران در دریافت موضوع و برقراری ارتباط با اثر دچار عجز و ناتوانی باشند، احساس خوشایندی و موفقیت بیشتری می‌کنند. من اما این تئاتر را دوست ندارم و پنهان‌شدن پشت سپر تجربه‌گرایی و جست‌وجوگری در این‌گونه آثار را موجه نمی‌بینم. به‌نظرم انجام هر تجربه‌ای در کارگاه و مراحل تمرین، نه‌تنها مجاز که حتی لازم و ضروری و ارزشمند است؛ حتی برخورد و بازخورد نظر مخاطبان خاص و معدود با آن، اما اجرای عمومی این تجربیات و نمایش‌ها را چندان مناسب و به‌نفع گروه و تئاتر نمی‌دانم. از اینکه گروهی هنرمند توانا علی‌رغم اثبات توانایی‌ها و قابلیت‌های خود در انتخاب‌ها و اجزا (و هر چند جست‌وجوگری و تجربه‌گرایی‌شان فی‌نفسه ارزشمند است)، به چنین نتیجه مأیوس‌کننده‌ای می‌رسند، آزار می‌بینم. علی‌رغم آگاهی از هدف این‌گونه نگاه در تئاتر، هنگامی‌که اتفاق مورد توقع نطفه‌نبسته، شکل نمی‌گیرد، خیلی مایلم کسی شرح دهد که پس به چه نحو و از چه طریق می‌توان این‌گونه تلاش‌ها را تئاتر نامید و روش برقراری ارتباط یا لذت‌بردن یا مواجهه با آنها چیست؟ باپیری را صمیمانه دوست دارم و علی‌رغم همه آنچه آمد، همچنان آرزو می‌کنم نقص و ناتوانی در ارتباط با اثر، نه متأثر از اثر که به‌دلیل ناآگاهی و نداشتن تجربیات و توانایی‌های متناسب مخاطب باشد و از طریق آموزش خالقان بتوان دریافت که چطور می‌توان این‌گونه آثار را هم دوست داشت و با آنها ارتباط برقرار کرد. اما اگر چنین توان و امکانی وجود ندارد، آرزو می‌کنم باپیری با این‌همه دانش و توانایی، کاری کند که کارهایش را هم چون خودش دوست داشته باشم.

سرنوشت موزه «ایران درودی» همچنان در هاله‌ای از ابهام!

یعنی باز هم انتظار همراه با درد...

فرانک آرتا: «ایران درودی» همچنان منتظر جواب شهرداری تهران برای به‌سرانجام‌رسیدن وضعیت موزه خود است. این نقاش معروف ایرانی در گفت‌وگو با «شرق» درباره این نگرانی خود گفت: «دو سال پیش شهرداری تهران قطعه زمینی در محله یوسف‌آباد همراه با بوستان را با تغییر کاربری برای احداث موزه به من اهدا کرد. من ۱۹۵ اثر برگزیده‌ام را که به مدت ۴۷ سال به این منظور نفروخته و نگهداری کرده بودم، به طور محضری به ملت ایران بخشیده‌ام و هزینه ساخت ساختمان موزه را از فروش منزلم در پاریس تقبل کرده‌ام. آقای دکتر جهانگیر درویش، فخر هنر معماری ایران که یکی از چهره‌های شناخته‌شده در سطح جهانی هستند، نقشه آن را طراحی و به من اهدا کرده‌اند و آماده ساخت است.

در شهریور ماه سال ۱۳۹۵ کلنگ زمین با حضور جمعی از رؤسای شهرداری و مدعوین زیادی به طرزی باشکوه از طرف شهرداری برگزار شد، عجیب اینجاست که در این یک‌سال‌و نیم گذشته با وجود اینکه بهره‌برداری زمین رسما به من داده شده، هنوز ابلاغ آن به شهرداری منطقه شش معوق مانده است».

او ادامه داد: «در این فاصله، انتخابات ریاست‌جمهوری پیش آمد و شهردار تهران نیز عوض شد. در ۹ ماه گذشته هر روز به من گفته شد فردا ابلاغ آن را خواهیم داد. آنچنان ابلاغ بهره‌برداری به طول انجامید که من در ۸۱ سالگی از شدت نگرانی شرایط جسمانی و ندادن این مجوز، پنج بار در بیمارستان‌های مختلف بستری شدم».

ایران درودی اضافه کرد: «ماه گذشته پرونده من سرانجام در جلسه شورای شهر تهران مطرح شد. در جلسه اول آقای امینی، رئیس قسمت حقوقی شورای شهر فرمودند که پرونده را دریافت نکردند و از آن بی‌اطلاع هستند! در فرصت دو هفته گذشته که اطلاع پیدا کردند، چرا اقدامی از جانب ایشان صورت نگرفت؟ حتی نامه‌ای با پیوست تمامی ضمیمه‌های قانونی که زمین هیچ نوع مشکل قانونی از نظر بهره‌برداری ندارد، برایشان ارسال کردم. باز هم هیچ اقدامی از طرف ایشان صورت نگرفت و سه‌شنبه گذشته که آخرین جلسه سالانه شورای شهر بود از آنجا که آقای امینی شیراز بودند، پرونده در جلسه شورا مطرح نشد».

این نقاش پیش‌کسوت در نهایت ناامیدی و افسردگی افزود: «من سه‌شنبه بیست‌ودوم اسفندماه یعنی سه روز پیش درحالی‌که از شدت درد کلیه به خود می‌پیچیدم، با پرونده پزشکی به شورای شهر مراجعه کردم، فراموش نکنید که آن روز من قرار جراحی سنگ کلیه داشتم. ولی ترجیح دادم که تکلیف خود را بدانم، گرچه دیر شده بود. چراکه جناب امینی در سفر بودند و پرونده من در شورا باید از روز قبل در صورت‌جلسه گنجانده می‌شد. از این رو پرونده من در جلسه مطرح نشد!

به این ترتیب دو سال است که روز به روز، ثانیه به ثانیه من منتظر ابلاغ بهره‌برداری هستم. سایر اعضای شورا همگی موافق هستند، به‌خصوص شخص جناب آقای محسن هاشمی، رئیس محترم شورای اسلامی شهر تهران که موزه‌ای به شهر تهران اضافه شود. در این جلسه من‌را به قسمت میهمانان شورا بردند.

جناب آقای محسن هاشمی حضور من را اعلام کرده و فرمودند پرونده من به فروردین ماه موکول خواهد شد. دیروز صبح من به بیمارستان عرفان مراجعه کردم و دکترها گفتند صلاح نیست در ایام عید در بیمارستان بستری شوم و ممکن است قضیه آقای کیارستمی تکرار شود و فعلا مجبورم با درد جابه‌جایی سنگ کلیه تا پایان سیزدهم فروردین در انتظار بمانم؛ یعنی باز هم انتظار همراه با درد....من شنیده‌ام آقای امینی انسان بسیار شریف و مهربانی هستند، چقدر باید بدشانس باشم که پرونده من به دست ایشان نرسیده باشد. من که در تمام طول عمرم با مشکلاتم مبارزه کردم، این بار به‌راستی نمی‌دانم چه باید بکنم، به خداوند بزرگ پناه آورده‌ام. نگفتمت که مگو کار بنده از چه جهت نظام گیرد /خلاق بی‌جهات منم».

نوروز ۹۷ و ۴ سریال تلویزیونی

از داعش تا هیأت مدیره

گروه هنر: نوروز ۹۷ شاهد پخش سریال‌های «پایتخت ۵»، «تعطیلات رؤیایی»، «دیوار‌به‌دیوار ۲» و «هیأت‌مدیره» در شبکه یک تا پنج خواهیم بود.در نشستی که چند روز پیش از سوی معاونت سیما برگزار شد، سریال‌های نوروزی هر شبکه اعلام شد و در سال ۹۷ برخلاف سال پیش، شبکه پنج سیما نیز سریال نوروزی پخش می‌کند و تلویزیون جمعا چهار سریال جدید نمایش می‌دهد. سریال‌های «پایتخت ۵» به کارگردانی سیروس مقدم، «تعطیلات رؤیایی» به کارگردانی علیرضا امینی، «دیوار‌به‌دیوار ۲» به کارگردانی سامان مقدم و «هیأت‌مدیره» به کارگردانی مازیار میری در روزهای نوروزی پخش می‌شوند.

پایتخت۵

«پایتخت ۵» جدیدترین ساخته سیروس مقدم است که سه‌شنبه، ۲۹ اسفند، ساعت ۲۲:۱۵ روی آنتن شبکه یک می‌رود و نسبت به دیگر سریال‌ها یک شب زودتر پخش خواهد شد.

عوامل «پایتخت۵» پس از دو سال نزد مردم می‌آیند و این‌بار قصه‌های جدیدی را نه در تهران که در کشور و منطقه‌ای دیگر روایت می‌کنند. سری پنجم سریال «پایتخت» به کارگردانی سیروس مقدم، اردیبهشت‌ماه سال جاری در روستایی در شیرگاه کلید خورد و بیشتر تصاویر آن در تهران گرفته شد. داستان از جایی آغاز می‌شود که ارسطو و نقی برای کسب منفعت مالی با کامیون راهی ترکیه می‌شوند تا اجناس خارجی به ایران بیاورند و با فروش آن سودی کسب کنند. آنها در کشور ترکیه سوار بر بالن می‌شوند. فردی که مسئول هدایت بالن است سکته می‌کند و با مرگ او، ارسطو هدایت بالن را به دست می‌گیرد. بالن، این خانواده را به میانه

جبهه داعش می‌برد. در این شرایط آنها برای پنهان‌شدن از چشم داعش اقدام به پوشیدن لباس‌های داعش می‌کنند. در بخش دیگری از داستان، دوباره بالن از مسیر اصلی خود منحرف شده و به سمت یکی از کشورهای اروپایی می‌رود. در این کشور نیز ماجراهایی تازه در انتظار شخصیت‌های پایتخت است.

محسن تنابنده، ریما رامین‌فر، احمد مهرانفر، علیرضا خمسه، هومن حاجی‌عبداللهی و بهرام افشاری از بازیگران اصلی این سریال هستند.

سریال پایتخت از سه‌شنبه، ۲۹ اسفند، ساعت ۲۲:۱۵ در ۱۵ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای روی آنتن می‌رود که با مشارکت سازمان اوج تولید شده است.

تعطیلات‌رؤیایی

سریال «تعطیلات رؤیایی» به کارگردانی علیرضا امینی برای شبکه دو ساخته شده است و چندی پیش تصویربرداری این مجموعه در جزیره کیش به پایان رسید. این مجموعه ۱۵قسمتی به تهیه‌کنندگی مجید اوجی و با بازی بازیگران مختلف ابتدا از شیراز آغاز شد و در کیش پایان یافت.محمدرضا شریفی‌نیا، افسانه بایگان، رضا یزدانی، علی صادقی، محمود عزیزی، افسر اسدی، علی اوجی، مریم معصومی، خاطره حاتمی، لاله اسکندری و مرتضی علی‌آبادی از بازیگران این سریال هستند.رضا یزدانی که برای اولین‌بار با این سریال در تلویزیون دیده می‌شود، تیتراژ این مجموعه را هم خوانده است و در این سریال بخش‌هایی از یک کنسرت موسیقایی نمایش داده می‌شود. هدف از تولید این مجموعه، یک اثر سرگرم‌کننده و مفرح برای مخاطبان در ایام نوروز است و داستان درباره دو برادر است که با هم تصمیم می‌گیرند به یک سفر زمینی بروند. آنها ساکن شیراز هستند و سفرشان از این شهر شروع می‌شود تا به کیش برسند. در طول مسیر برای آنها اتفاقاتی می‌افتد که به یک سفر رؤیایی تبدیل می‌شود. رحیم، برادر بزرگ‌تر، فرهنگی است و این نقش را دکتر محمود عزیزی بازی می‌کند. رستم، برادر کوچک‌تر، به کار تجارت عرقیات شیراز مشغول است و این نقش برعهده محمدرضا شریفی‌نیاست.

سریال «تعطیلات رؤیایی» از اولین شب فروردین ساعت ۲۱:۳۰ روی آنتن شبکه دو می‌رود و بازپخش آن ساعت‌های یک بامداد و ۱۲ و ۱۶ روز بعد است.

دیوار‌به‌دیوار۲

سریال «دیوار‌به‌دیوار۲» به کارگردانی سامان مقدم هم‌اکنون در حال تصویربرداری است و قرار است تا ۲۹ اسفند ضبط آن به پایان برسد. نوروز ۹۶ فصل اول این سریال روی آنتن شبکه سه رفت و نوروز ۹۷ فصل دوم این سریال پخش می‌شود که خشایار الوند سرپرست نویسندگان و حمید رحیمی‌نادی تهیه‌کننده آن است.

در فصل اول این سریال گوهر خیراندیش، فرهاد آیش، پژمان جمشیدی، ویشکا آسایش، آزاده صمدی و امیرمهدی ژوله بازی می‌کردند و در این فصل ژوله حضور ندارد و علی قربان‌زاده، میترا حجار و مسعود رایگان به ساکنان عمارت ویلایی این سریال اضافه شده‌اند. سیامک مهماندوست؛ تدوین و محمود خرسند؛ صداگذاری این مجموعه را برعهده دارند. تاکنون ۱۴ قسمت از پروژه آماده نمایش شده و گروه مشغول آماده‌سازی سایر قسمت‌ها هستند.

این سریال ۱۸ قسمت دارد و اگرچه پیش از این در نشست برنامه‌ها و سریال‌های نوروزی، «آرماندو» به‌عنوان سریال نوروز ۹۷ اعلام شده بود، بااین‌حال «دیوار‌به‌دیوار۲» در دقیقه ۹۰ برای پخش در نوروز در نظر گرفته شد. دیوار‌به‌دیوار سریال کمدی ۶۰ قسمتی بود که داستان پنج خانواده را روایت می‌کرد که به دلایلی مجبور می‌شوند سه ماه در یک خانه با یکدیگر زندگی کنند. این پنج خانواده پیش از این هیچگونه آشنایی با یکدیگر نداشته‌اند و در یک روز بنا به اتفاقی مجبور می‌شوند که با هم زندگی کنند.این سریال از چهارشنبه، اول فروردین ساعت ۲۰:۴۵ پخش می‌شود و تکرار آن دو بامداد، ۱۰ صبح و ۱۴:۲۰ روز بعد روی آنتن می‌رود.

هیأت‌مدیره

۱۵ قسمت از «هیأت‌مدیره» به کارگردانی مازیار میری برای پخش نوروزی شبکه پنج سیما در نظر گرفته شده است که بعد از پایان تعطیلات نوروزی هم پخش آن ادامه خواهد داشت.فیلم‌نامه سریال «هیأت‌مدیره» به قلم علی خودسیانی نوشته شده است و سریال، قصه زوج جوانی را روایت می‌کند که با نقل‌مکان به ساختمانی جدید درگیر اتفاقاتی تازه می‌شوند.ثریا قاسمی، لیلی رشیدی، مریم امیرجلالی، کمند امیرسلیمانی، الیکا عبدالرزاقی، امیررضا دلاوری، رحیم نوروزی، رابعه مدنی، فریده سپاه‌منصور، زهرا داوودنژاد، مسعود کرامتی، احسان کرمی، حدیث میرامینی و سیاوش طهمورث از جمله بازیگرانی هستند که در «هیأت‌مدیره» نقش‌آفرینی می‌کنند. همچنین تیتراژ پایانی این سریال را احسان کرمی خوانده است.سریال «هیأت‌مدیره» به تهیه‌کنندگی مهران رسام از اول فروردین ۹۷ ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه پنج سیما می‌رود و تکرار آن روز بعد ساعت ۱۱ و ۱۷ خواهد بود.

عطاران، طهماسب، شیروانی و برزگر در یادبود لوون هفتوان

او تصور ماست

گروه هنر: رضا عطاران، مجید برزگر، محمد شیروانی، ایرج طهماسب و... در مراسم یادبود لوون هفتوان، بازیگر ایرانی- ارمنی، سخن گفتند.

مراسم یادبود لوون هفتوان، هنرمند تازه درگذشته تئاتر، سینما و تلویزیون، عصر روز جمعه، ۲۵ اسفند، با حضور جمع کثیری از هنرمندان و هنردوستان برگزار شد.

در این مراسم هنرمندانی مانند: ایرج طهماسب، حمید جبلی، هوشنگ گلمکانی، حبیب رضایی، خسرو احمدی، رضا عطاران، علی دهکردی، احسان کرمی، شیوا ابراهیمی، دکتر محمود عزیزی، محمدرضا هدایتی، محمد شیری، روشنک گرامی، علی اتحاد، آهو خردمند، مریم مقدم و... حضور داشتند.

در ابتدای مراسم، قسمت‌هایی از نمایش «بازی یالتا» به کارگردانی لوون هفتوان، با بازی وحید رهبانی و روشنک گرامی که اولین نمایش اجراشده در این تماشاخانه پایتخت در سال ۱۳۹۵ بوده است، پخش شد. پس از آن مجید برزگر، کارگردان فیلم سینمایی «پرویز»، ضمن خوشامدگویی و عرض تسلیت این ضایعه دردناک گفت: «دو روز پیش از این اتفاق دردناک، با لوون به سفر رفته بودیم و این افتخاری است که توانستم لحظات بیشتری را با او بگذرانم؛ هیچ‌گاه فکرش را هم نمی‌کردم که به این زودی او را از دست بدهیم».سپس آلبرت بیگجانی، از دوستان صمیمی هفتوان، روی صحنه آمد و با بیان خاطره‌ای از وی گفت: «بسیار کم هستند هنرمندانی که از دوستان لوون نبوده باشند! او ارتباطات بسیار زیادی از هر دین و مسلک و فرهنگی داشت. تمام کسانی که در اینجا جمع شده‌اند، نه‌تنها برای احترام، بلکه برای محبت و دوست‌داشتن او آمده‌اند».او افزود: «متأسفانه امروز وحید رهبانی به دلیل اینکه سر فیلم‌برداری بوده است، نتوانست در این مراسم حضور داشته باشد. رهبانی خاطره‌ای از لوون داشت که می‌گفت شاید لوون تنها کسی بود که در تاریخ این کشور، وسط بازی ایران- استرالیا خوابید!»در ادامه این مراسم، ترانه‌ای به زبان ارمنی اجرا شد.

سپس علی دهکردی در بخش دیگری از مراسم یادبود «لوون هفتوان» گفت: «من باید قلبم را در دستانم بگیرم و در مراسم بزرگ‌ترین و صمیمی‌ترین دوست دوران زندگی‌ام شرکت کنم. موظفم از طرف انجمن بازیگران خانه سینما و آقای شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما که ما را بی‌هیچ تعللی یاری کردند، این اتفاق را به تمام خانواده هنری تسلیت بگویم. لوون می‌توانست در وحشتناک‌ترین روزهای مسکو و شوروی سابق، در بیمارستان بسیار بد آنجا یا در روزهای بسیار سخت غربت جان بسپارد، اما زنده ماند و رسید به نقطه‌ای که به شکوفایی برسد و در بین هم‌وطنانش، در مام خودش پر بکشد. او زنده ماند تا در اوج قله شکوه مطلق یک انسان مرگ را به سخره بگیرد و در مراسم او بزرگ‌ترین هنرمندان این سرزمین حضور داشته باشند و این چه افتخار و جادویی است برای روح بزرگ یک آدم».

در ادامه، محمد شیروانی، کارگردان فیلم سینمایی «لرزاننده چربی»، روی صحنه آمد و یادآور شد: «ما از ابتدای سال ۱۳۹۰ برای فیلم «لرزاننده چربی» به دنبال مردی چاق می‌گشتیم، اما نه صرفا چاق، بلکه یک بازیگر مناسب، لوون در تورنتو بود، یک کارگردان و بازیگر ارمنی که به‌واسطه معرفی گروه‌های تئاتری می‌شناختیمش. او را در هتل اسپیناس ملاقات کردیم و همکاری‌مان شکل گرفت... . او برای به‌دست‌آوردن زور نمی‌زد. او بلد بود تا در جهان فکری کارگردان حل شود. لوون خود را در خدمت فیلم قرار می‌داد. من دیالوگ‌ها را در کلام به سوی او پرتاب می‌کردم و او به شکل حیرت‌آوری آنها را ادا می‌کرد. مرز بین خواب و بیداری لوون بسیار کم‌رنگ بود. بدنش با وجود اضافه‌وزن، زنده بود. او بیشتر از ما مسلمانان، می‌گفت: الحمدلله! ... حالت چطور است؟ الحمدلله. با شرایط سخت چه می‌کنی؟ الحمدلله... بالاخره قلب ایستاد؟! قسمت بود... الحمدلله...».

در ادامه، رضا عطاران، بازیگر و کارگردان فیلم «دراکولا» که در این فیلم همبازی لوون هفتوان بوده است، با ذکر خاطره‌ای، گفت: «ویژگی عجیب‌وغریب او که همه به آن واقف هستند، مهربانی بیش از اندازه‌اش بود؛ طوری که اگر بر سر فیلم‌برداری حال هر کداممان بد می‌شد، در کنار او می‌نشستیم تا کمی بهتر شویم.

در «دراکولا» دوستی به نام آقای نیما راد حضور داشتند که خاطره‌ای از لوون هفتوان را برایمان در حضور خود لوون تعریف می‌کردند. آقای راد می‌گفتند یک روز در کلاس‌های بازیگری، لوون هفتوان به‌عنوان استاد میهمان حضور داشتند؛ آقای راد هم به‌عنوان هنرجو سعی کردند تا از جان مایه بگذارند و بهترین اتود بازی را جلوی ایشان انجام دادند، اما وقتی برگشتند، دیدند که لوون هفتوان خوابیده است! ... البته نکته اصلی خاطره من اینجاست که وقتی آقای راد داشتند همین خاطره را برای لوون بر سر فیلم‌برداری «دراکولا» تعریف می‌کردند، دوباره آقای هفتوان خوابیده بودند!!!».

پس از عطاران، ایرج طهماسب روی صحنه آمد و گفت: «ما به او می‌گفتیم حاج‌آقا لوون! ... می‌خواهم برای شما تصویرسازی کنم، درخت، گل، پرنده و تمام اینها تصویرند... انسان هم تصویر است؛ اما وقتی این تصویر کاری جالب انجام می‌دهد، برای ما تصور درست می‌کند. لوون تصور ماست».

در ادامه مراسم، ترانه دیگری به زبان ارمنی با عنوان «قایق کوچولو» اجرا شد و پس از آن بخش‌هایی از پشت‌صحنه فیلم «کوپال» به نمایش درآمد، سپس کارگردان این اثر، کاظم ملایی، روی صحنه آمد و در رابطه با لوون هفتوان بیان کرد: «این استقبال نشان می‌دهد که لوون هفتوان بسیار چهره شده است، اما من فکر می‌کنم او هدررفته سینماست. اگر این بازیگر در جوانی به سینما معرفی می‌شد چه اتفاق بزرگی در سینمای ما می‌افتاد!»

پس از پخش پیام ویدئویی از مادر لوون هفتوان و صحبت‌هایی از برادر این هنرمند؛ در پایان، عبدالرزاق بنی‌شیخ‌الاسلامی، مدیریت تماشاخانه «دیوار چهارم»، روی صحنه آمد و گفت: «در واپسین روزهای سالی که هر لحظه منتظر شنیدن خبری عجیب بودیم، یکی از بدترین خبرهای این چند سال اخیر را شنیدیم... لوون هفتوان برای ما، برای تئاتر برای سینما بیشتر از یک کارگردان و بازیگر بود. او سرلوحه اخلاق و منش و بدون تعارفات معمول، مهربان بود... شوق و هیجانی که در اولین روزهای راه‌اندازی این تماشاخانه در چشم‌های ما بود، جای خود را به اشک‌هایی در آخرین روزهای سال داد... . ما بیش از یک ماه با لوون زندگی کردیم و هر لحظه این زندگی، چیزی جز درک دراماتیک عمر نبود... . اینجا که قدم می‌گذارم هنوز حضورش را حس می‌کنم؛ حضوری فروتنانه و باوقار... . بزرگ باد یاد مردی که برای تئاتر، سینما، هنر و «دیوار چهارم» همیشه زنده است».

نمای باز

فیلم‌ساز اینجایی یا فیلم‌ساز فضایی

محمدرضا مقدسیان

● همیشه این مسئله مطرح بوده که فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شوند یا اساسا فیلم‌هایی که در کشور تولید می‌شوند، به چه اندازه قابلیت دارند که سوگیری آنها به شکلی دستوری مشخص شود یا در تحقیقی مدون مشخص شود که چطور باید فیلم بسازند، روی چه موضوعاتی تمرکز کنند و در نهایت اهداف فرهنگی نظام را پیگیری کنند یا نه؟ برای پاسخ به این سؤال در ابتدا باید دید سینما چقدر قابلیت پذیرش دارد و تا چه اندازه این موضوع شدنی است.در سینمای دنیا از هالیوود تا بقیه کشورها، دسته‌ای از سوگیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به جامعه محل اثر فیلم یا جوامع دیگری که این فیلم‌ها در آنها عرضه می‌شوند، وجود دارد.سؤال این است که چطور می‌توان به این نقطه اثر دست پیدا کرد. آیا این مدل بر مبنای یک قانون‌گذاری اتفاق افتاده است یا فیلم‌سازی به‌عنوان جزئی از رفتارها و حرکت اجتماعی کاملا پیوندخورده با دیگر شئون فرهنگی و اجتماعی است و نمی‌توانیم فیلم و سینما را از دیگر رفتارهای اجتماعی که در یک جامعه رخ می‌دهد، جدا کنیم.باید دید سینما چه تأثیری بر جریان‌سازی و ایجاد سوگیری دارد. در اینجا جریان مرغ و تخم‌مرغ مطرح می‌شود که اول باید سینما اصلاح شود تا جریان اطراف خود را تحت تأثیر قرار دهد یا جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند که سینما را به این سمت می‌برند؟ پاسخ این است که نمی‌شود دید کدام تأثیر بیشتری دارند؛ اما از طرف دیگر هم نمی‌توان یکی را بر دیگری اولی دانست. با این رویکرد نمی‌توان همه بار را بر دوش سینما گذاشت. یک توضیح مشخص وجود دارد؛ اینکه سینما، سینماگر و فیلم از دل اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، بیرون می‌آید و فیلم‌ساز از فضا وارد نمی‌شود. هنرمند فیلم‌ساز و هنرمند فیلم‌نامه‌نویس در اجتماعی زندگی می‌کنند که همه خوبی‌ها و بدی‌ها را در دل خود دارد و در نهایت همه آن اتفاقات، بایدها و نبایدها برون‌ریز است که منجر به ساخت یک اثر سینمایی می‌شود.اگر قائل به این باشیم که هنرمند آزادانه فکر می‌کند و دغدغه‌مند به ماجرا نگاه می‌کند و اولویت‌های ذهنی خود را تبدیل به فیلم سینمایی می‌کند، باید بپذیریم که خروجی جشنواره فیلم فجر به‌عنوان جایی که فیلم‌سازهای ایرانی دغدغه‌ها و مسائل خود را به شکل فیلم سینمایی منتقل و اجرا می‌کنند، ویترینی از وضعیت موجود فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی است. اگر در این مرحله انتظار داشته باشیم که اصلاح همه مسائل و مشکلات، نگاه‌ها، اتفاقات فکری، فرهنگی و اجتماعی را باید فیلم‌سازها انجام دهند، به بیراهه رفته‌ایم. اگر واقع‌گرا باشیم، باید بپذیریم که جشنواره فیلم فجر آینه تمام‌نمای مشکلات، مسائل و اولویت‌های فکری، روحی و فرهنگی جماعت سینمایی است که در نهایت بخش بزرگی از جامعه ایرانی را نمایندگی می‌کنند. اگر مقوله فقر، ناامیدی، شکست‌خوردگی و مسائل این‌چنینی دستمایه قرار می‌گیرند، باید بدانیم که این واقعیت‌ها وجود دارد و فیلم‌ساز با ذهن و نگاه حساس خود آنها را برجسته کرده است. جشنواره سی‌وششم فیلم فجر از حیث تنوع آثار و تنوع نگاه به موضوعات در مقایسه با جشنواره دو، سه دوره اخیر وضعیت بهتری داشت. وقتی درباره تنوع صحبت می‌کنیم، به این معنا نیست که تنوع زیاد را ملاک خوب‌بودن فیلم‌ها قرار می‌دهیم؛ بلکه دو مقوله متفاوت کنار یکدیگر را بررسی می‌کنیم. وقتی از تنوع صحبت می‌کنیم؛ یعنی سینما به‌عنوان مدیایی که باید مخاطبان گسترده‌تری را پوشش دهد و در سال آینده سینمایی بتواند گونه‌های مختلف سینمایی را ارائه کند تا سلایق مختلف انگیزه حضور در سینما را پیدا کنند. باید این تنوع به صورت نسبی در قیاس با دو دوره قبلی فیلم فجر اتفاق افتاده باشد و ما در گونه‌های مختلف سینمایی نگاه‌های مختلف سینمایی را می‌توانیم کم و بیش داشته باشیم. اینکه از نظر کیفیت فیلم‌سازی و فیلم‌نامه‌نویسی وضعیت چگونه است، مقوله دیگری است. به همان اندازه که درباره مسائل فنی و تکنیکی در سینما در حال پیشرفت هستیم، همچنان پاشنه آشیل ما فیلم‌نامه‌نویسی است و این بحثی است که در زمان مناسب باید به آن پرداخت.

جارچی

خداحافظی الیور توئیست

● **گروه هنر:** نمایش موزیکال الیور توئیست با ۱۲۰ اجرا تا به امروز و بیش از صدهزار تماشاگر از اقشار مختلف به ایستگاه پایانی رسید.

دیروز شنبه، ۲۶ اسفند، نمایش موزیکال الیور توئیست با صدوبیست‌ودومین اجرا به کار خود پایان داد. این نمایش که از آذرماه سال جاری اجراهای خود را در تالار وحدت آغاز کرد، به‌خاطر استقبال گسترده در چند نوبت تمدید و از همان روزهای نخست اجرا، دواجرائی شد. موزیکال الیور توئیست شنبه‌شب آخرین اجرای خود را روی صحنه تالار وحدت برد تا پرونده این پروژه بزرگ موزیکال در سال ۱۳۹۶ بسته شود.